



Examining the Impact of Islamic Contracts on Income Distribution in Iranian Provinces: A Panel Data Case Study of Qard al-Ḥasan, Installment Sales, and Lease-to-Own Agreements

 Mohammad Ghaffary fard ¹, Mahdi Safdari ² , Ghasem Ghorbani ³

1. Associate Professor, Department of Economic Sciences, Ahlul-Bayt International University, Iran. Email: mghaffaryfard@abu.ac.ir
2. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Yazd University, Iran. Email: mahdi.safdari@stu.yazd.ac.ir
3. M.A. Economics Sciences, Ahlul-Bayt International University, Iran. Email: qasemqorbani123@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Received: 2021 March 5
Received in revised form:
2021 May 11
Accepted: 2025 April 30
Available online: 12 July 2025

Keywords

Islamic contracts;
income distribution;
panel data; Gini
coefficient

Abstract

Income distribution is a fundamental economic issue in any society, and Islam places special emphasis on economic justice and equitable wealth distribution. This study investigates the impact of Islamic financial contracts on income inequality across Iran's 31 provinces using panel data analysis. The contracts examined include Qard al-Ḥasan (interest-free loans), installment sales (bay' al-'uqūd), and lease-to-own agreements (ijārah wa-ta'mīn). Employing a fixed-effects model estimated with E-Views 9, the results indicate that these Islamic contracts significantly contribute to improving income equality. Furthermore, the study confirms the presence of an inverted-U (Kuznets) relationship between GDP per capita and income inequality. Labor productivity positively influences income equality, while government expenditure and inflation have adverse effects. Based on these findings, it is recommended that policymakers facilitate greater access to Islamic financial instruments for low-income groups to promote a more equitable income distribution.
JEL Classification: D31, G21, Z12, C23.

Cite this article: Ghaffarifard, M.; Ghorbani, G.; Safdari, M. (2025). Examining the Impact of Islamic Contracts on Income Distribution in Iranian Provinces: A Panel Data Case Study of Qard al-Ḥasan, Installment Sales, and Lease-to-Own Agreements, *Islamic Economics Doctrines*, 1(2), 211-232.
<https://doi.org/10.30513/ied.2021.1417>





بررسی تأثیر عقود اسلامی بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با رویکرد داده‌های تابلویی؛ (مطالعه موردی: عقود قرض الحسنه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)

محمد غفاری فرد^۱، مهدی صفدری^۲، قاسم قربانی^۳

۱. دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، ایران. رایانه: mghaffaryfard@abu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه یزد، ایران. رایانه: mahdi.safdari@stu.yazd.ac.ir

۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، ایران. رایانه: qasemqorbani123@gmail.com

چکیده

مسئله توزیع درآمد از مهم‌ترین مباحث اقتصادی در هر جامعه‌ای می‌باشد. دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد دارد. تحقیق حاضر با استفاده از آمار ۳۱ استان ایران بر اساس روش داده‌های تابلویی، تأثیر عقود اسلامی را بر نابرابری توزیع درآمد در استان‌های ایران مورد بررسی قرار داده است. برای رسیدن به هدف، مدل تحقیق مشتمل بر عقود اسلامی نظیر تسهیلات قرض الحسنه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک با به‌کارگیری نرم‌افزار E-Views9 با استفاده از روش اثرات ثابت تخمین زده شده است. نتایج نشان داد که عقود مالی اسلامی تأثیر مثبت بر افزایش برابری توزیع درآمد دارد. همچنین رابطه U معکوس میان تولید ناخالص داخلی سرانه و نابرابری توزیع درآمد تأیید می‌شود. بهره‌وری نیروی کار اثر مثبت و مخارج دولت و نرخ تورم اثر منفی بر برابری توزیع درآمد دارد. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود که دولت شرایطی را فراهم آورد تا دسترسی افراد کم‌درآمد جامعه به منابع مالی اسلامی تسهیل شود.

طبقه‌بندی موضوعی: D31, G21, Z12, C23.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

کلیدواژه‌ها

عقود اسلامی، توزیع درآمد،

داده‌های تابلویی، ضریب

جینی.

استناد: غفاری فرد، محمد؛ قربانی، قاسم؛ صفدری، مهدی. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر عقود اسلامی بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با رویکرد

داده‌های تابلویی؛ مطالعه موردی: عقود قرض الحسنه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک. آموزه‌های اقتصاد اسلامی، ۲۱۱(۲)، ۲۳۲-۲۱۱.

<https://doi.org/10.30513/ied.2021.1417>



مقدمه

توزیع درآمد به عنوان نمادی از عدالت اجتماعی و ارتباط متقابل آن با رشد و توسعه اقتصادی همواره از موضوعات مهم و چالش برانگیز در اقتصاد بوده است، چراکه نامتعادل بودن توزیع درآمد سلامت اجتماعی و اقتصادی جامعه را با خطر مواجه می سازد. مطالعات گسترده‌ای که تاکنون در کشورهای در حال توسعه انجام شده است نشان می دهد که با وجود افزایش نرخ رشد اقتصادی در چند سال اخیر، این کشورها هنوز هم درگیر مشکلاتی مانند فقر و نابرابری توزیع درآمدی هستند و طبقات کم درآمد و فقیر جامعه نتوانسته‌اند از این رشد بهره‌ای ببرند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. به بیان دیگر، رشد اقتصادی نمی‌تواند به تنهایی ماهیت فواید توزیعی آن را تعیین کند، لذا برای این که بتوان هم راستا با رشد اقتصادی دوام دار میزان فقر و نابرابری درآمدی را نیز در جامعه کاهش داد، به ابزارها و سیاست‌هایی نیاز است تا بتواند امکان مشارکت اقشار کم درآمد و فقیر جامعه را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد. (آل عمران و شکوهی فرد، ۱۳۹۵، ص ۴۴) بر اساس مطالعات انجام شده، رشد اقتصادی ناشی از توسعه بازارها و مؤسسات مالی می‌تواند بر پدیده فقر و نابرابری در جوامع مختلف تأثیرگذار باشد. (بک و همکاران، ۲۰۰۷) مرور آیات و روایات نشان می‌دهد که دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به عدالت اقتصادی دارد و دلیل بسیاری از مشکلات جامعه را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند. با توجه به مسئله حرمت ربا در اسلام، استفاده از ابزارهای مالی متعارف که مبتنی بر نرخ بهره است، در نظام مالی اسلامی جایز نیست، لذا باید مطابق با قوانین و مقررات اسلامی از ابزارهایی استفاده کرد که مورد تأیید اسلام باشند. استفاده از عقود اسلامی راه جایگزین مناسبی برای بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن باشد. امروزه نظام مالی اسلامی که متشکل از بانکداری اسلامی، بیمه اسلامی و بازار سرمایه اسلامی است، به دلیل شفافیت و کارکرد بهتری که نسبت به بازارهای مالی غیراسلامی داشته، نقش و اهمیت خود را بیش از پیش در بازارهای مالی جهان نشان داده است. (رجایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵) با توجه به اهمیت موضوع، در تحقیق حاضر تلاش می‌شود که بر اساس داده‌های سری زمانی ۳۱ استان ایران طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی، به بررسی تأثیر عقود اسلامی (در این تحقیق از تسهیلات قرض الحسنه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک استفاده شده است) بر توزیع درآمد در استان‌های ایران پرداخته شود. سؤال اصلی این تحقیق آن است که توسعه عقود

اسلامی چه تأثیری بر توزیع درآمد در استان‌های ایران دارد. متناظر با این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود که توسعه عقود اسلامی بر توزیع درآمد در استان‌های ایران تأثیر مثبتی دارد. در این تحقیق پس از بیان مقدمه، به تبیین مبانی نظری، مروری به سوابق تحقیق، ارائه مدل و داده‌های تحقیق و در پایان به تجزیه و تحلیل نتایج توصیفی و استنباطی آمارها پرداخته می‌شود.

۱. مبانی نظری

در این بخش از تحقیق، ابتدا به اختصار رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد و نظریات موجود در آن بر اساس اقتصاد متعارف توضیح داده می‌شود. سپس کانال‌های تأثیرگذاری عقود اسلامی بر توزیع درآمد بررسی می‌شود.

۱-۱. توسعه مالی و توزیع درآمد

با توجه به این‌که توزیع عادلانه درآمد و کاهش فاصله طبقاتی بین گروه‌های درآمدی به لحاظ اجتماعی دارای اهمیت است، وجود رفاه و آسایش برای طبقه خاصی از جامعه باعث می‌شود که دیگر طبقات نیز درصدد رسیدن به درآمد بالاتر باشند، ولی به دلیل فقدان ابزارهای لازم در اقتصاد امکان دسترسی آن‌ها به رفاه میسر نمی‌شود. همین دلیل سبب ایجاد برخی تنش‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود. (قبری و همکاران، ۱۳۹۰) در گذشته بر این باور بودند که با رشد اقتصادی بالاتر، زمینه فرصت‌های اقتصادی برای اقشار کم‌درآمد نیز مساعد خواهد شد و به دنبال آن، فاصله طبقاتی در جامعه کاهش خواهد یافت، اما بعدها مشخص شد که با وجود نرخ‌های سریع رشد اقتصادی، وضعیت گروه‌های کم‌درآمد جامعه بهبود نیافته است و آن‌ها نتوانسته‌اند از فرصت به دست آمده بهره‌ای ببرند. از این رو جهت تحقق توزیع مناسب درآمد، افزون بر رشد اقتصادی پایدار، به ابزارها و سیاست‌های دیگری نیز نیاز است. از میان این روش‌ها و ابزارها می‌توان به خدمات مالی و اعتباری‌ای اشاره کرد که زمینه حضور فعال گروه‌های کم‌درآمد در فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد. تأثیر توسعه مالی بر متغیرهای واقعی پذيرفته شده است. علاوه بر آن، در حال حاضر رشد اقتصادی تنها مسیر تأثیرگذار مالی بر بخش واقعی اقتصاد نیست و توسعه مالی از مسیرهای دیگر، نظیر مصرف و توزیع درآمد، بخش واقعی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (علمی و آریانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴).

به طور کلی دو دیدگاه متفاوت در مورد رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد وجود دارد. نظریه اول توسط گرین وود و جوانویچ^۱ (۱۹۹۰) ارائه شده است که ارتباط توسعه مالی و توزیع درآمد را به شکل U معکوس نشان می‌دهد؛ نظریه دوم که توسط بانرجی و نیومن^۲ (۱۹۹۳) و گالر و زیرا^۳ (۱۹۹۳) مطرح شده است، ارتباط خطی بین توسعه مالی و نابرابری درآمد را نشانه گرفته است. اکثر تحقیقات انجام شده بر اساس همین دو نظریه مطرح می‌شوند؛ یعنی در هر دو مدل نظری، رابطه‌ای منفی بین توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد پیش‌بینی شده است. گرین وود و جوانویچ (۱۹۹۰) بر اساس فرضیه کوزنتس^۴ (۱۹۵۵) نشان داده‌اند رابطه‌ای که بین توسعه مالی و نابرابری درآمدی وجود دارد، همانند رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد و به شکل U معکوس است. آنان در مطالعه خود رابطه توسعه و نابرابری را در قالب یک مدل رشد درون‌زا ارائه داده‌اند. در این مدل، در مراحل اولیه توسعه که واسطه‌های مالی کمتر توسعه یافته‌اند، رشد اقتصادی به آرامی صورت می‌گیرد. در مراحل میانی توسعه، زمانی که رشد اقتصادی تسریع می‌شود و توسعه مالی بهبود می‌یابد، نابرابری درآمدی بیشتر می‌شود، اما در مراحل تکامل، زمانی که ساختار مالی به طور کامل گسترش می‌یابد و دسترسی خانواده‌ها به بازارهای مالی بیشتر می‌شود؛ درجه نابرابری کاهش یافته و در نهایت ثابت و پایدار می‌شود. (لیانگ، ۲۰۰۶، ص ۲۳)^۵

برخلاف نظریه U معکوس گرین وود و جوانویچ (۱۹۹۰)، برخی دیگر از اقتصاددانان نظیر بانرجی و نیومن (۱۹۹۳) و گالر و زیرا (۱۹۹۳)، رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد را به صورت رابطه‌ای منفی و خطی پیشنهاد می‌کنند که در آن، توسعه بازارها و واسطه‌های مالی با از میان برداشتن کم‌وکاستی‌های بازار سرمایه، زمینه اخذ وام، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و پروژه‌های پربازده را برای خانواده‌های فقیر تسهیل می‌کند و در نهایت، باعث توزیع درآمد جامعه می‌شود. (همان، ۲۰۰۶، ص ۳-۶)

1. Greenwood and Jovanovich

2. Banerjee and Newman

3. Galore and Zeira

4. Kuznets, S

5. Liang, Z

۲-۱. تأثیر عقود اسلامی بر توزیع درآمد

در دین مبین اسلام، دریافت و پرداخت بهره (ربا) تحریم شده است و عامل عمده بسیاری از مشکلات جامعه، از جمله وجود فقر و نابرابری توزیع درآمد، محسوب می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ الرَّبُّ رِبَاً وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ﴾ (بقره: ۲۷۶)؛ «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را رشد می‌دهد.» همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تُبْتَغُوا فَلََكُمْ رُوُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۷۸)؛ «اگر توبه کنید و از ربا بازگردید، سرمایه‌هایتان از آن شما خواهد بود. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌شوید.» بنابراین، عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره صورت گیرد. اسلام روش‌هایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می‌کند که از آن جمله می‌توان به ابزار کارآمد عقود اسلامی اشاره کرد. (نظری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴)

عقود اسلامی به سبب ماهیت عملیاتی و تعاملی خود با بخش‌های اقتصادی در بازار کالا و خدمات، می‌توانند همچون نیروی محرک و ابزار مولدی در جهت هدایت و سامان‌دهی بخش حقیقی اقتصاد استفاده شوند. لازمه کارکرد صحیح عقود اسلامی، به‌کارگیری این ابزارها در چارچوبی دقیق و قانون‌مند است. (نصر اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۴۸) به طور کلی، عقود اسلامی در سیستم بانکی به سه گروه قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله) و عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و سرمایه‌گذاری مستقیم) تقسیم می‌شوند.

مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض الحسنه را بهترین شیوه جایگزین برای متقاضیان قرض که توانایی بازپرداخت سود را ندارند، می‌داند. خداوند متعال در آیه ۱۱ سوره حدید می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ «کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا برای او چندین برابر گرداند و او را پاداشی با لطف و کرامت باشد.» بر این اساس، ثروتمندان با مدنظر قرار دادن پاداش معنوی قرض الحسنه، داوطلبانه آن را انجام می‌دهند تا زمینه برخورداری از امکانات مالی را برای گروه‌های کم‌درآمد فراهم آورند. در واقع، این ابزار مالی می‌تواند از طریق ایجاد انگیزه‌های معنوی و اخروی در افراد، سبب ایجاد اشتغال و افزایش تولید شود. (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳)

منابع حاصل از قرض الحسنه می‌تواند در جهت تأمین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت - البته در امور تولیدی کوچک - و تأمین سرمایه در گردش و همچنین قرض دادن ابزار تولید

به تولیدکنندگان کوچک مورد استفاده قرار گیرد و در جهت ایجاد و تداوم اشتغال مؤثر واقع شود. از این رو، اسلام قرض الحسنه را یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر بر کاهش نابرابری توزیع درآمد می‌داند که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور، بتواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقش فعالی داشته باشد. در واقع، گسترش قرض الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای جامعه می‌شود. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳)

با توجه به امر مشارکت در بانکداری اسلامی، خسارات ناشی از خطرهای فعالیت اقتصادی بین طرفین عقد مشارکت تقسیم می‌گردد و افراد تولیدکننده کمتر از زمانی که با گرفتن وام پروژه را تأمین مالی می‌کردند، خسارت احتمالی را تحمل می‌کنند. بنابراین، تعداد متقاضیان سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. افزون بر تقسیم زیان‌های محتمل، وجود انگیزه نظارت و مراقبت شرکا نسبت به یکدیگر، کارایی فعالیت را افزایش می‌دهد و در مجموع، سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. بنابراین، افزایش عرضه و تقاضای سرمایه‌گذاری می‌تواند آثار مثبتی در امر تولید، اشتغال، قیمت کالا، تورم و رفاه عمومی داشته باشد. (صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۹۰)

از سویی، چون در نظام مشارکتی سودی که به صاحب سرمایه پرداخت می‌شود، همانند مالیات بر سود جزو هزینه‌های تولید محسوب نمی‌شود، با کاهش هزینه‌های تولید، مقدار تولید افزایش می‌یابد و زمینه برای اشتغال‌زایی فراهم می‌شود. (پایتختی اسکویی و عرب مازار، بدون تاریخ) همچنین، عدم نیاز به وثیقه در عقود مشارکتی باعث می‌شود تا افراد کم‌درآمد جامعه که از داشتن وثیقه محروم‌اند، بتوانند به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و از این طریق، نابرابری درآمدی در جامعه را کاهش دهند. (ابوترابی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۹)

عقود مبادله‌ای نیز از راه خرید یا اجاره کردن دارایی‌های حقیقی، حجم بیشتری از منابع را برای بخش واقعی اقتصاد آماده می‌کند و زمینه را برای گسترش اشتغال و فرصت‌های خوداشتغالی فراهم می‌سازد. (چیرا، ۲۰۰۸، ص ۱۵) از ویژگی‌های ابزارهای مالی اسلامی این است که برخلاف اقتصاد متعارف، در بخش اعطای تسهیلات به خانوارها و بنگاه‌ها از قراردادهای واقعی استفاده می‌شود. از این رو، انتظارات تورمی در آن پایین است، پس می‌تواند از تشدید تورم که منجر به افزایش نابرابری در جامعه می‌شود، جلوگیری کند.

بانک‌های متعارف به دلیل عدم برخورداری افراد فقیر از معیارهای وام‌دهی مرسوم، عدم سوددهی وام‌های خرد برای آن‌ها و همچنین هزینه نظارت بالای این‌گونه وام‌ها، به افراد فقیر وام نمی‌دهند. (شاهین‌پور، ۲۰۰۹، ص ۱۰۰۳) چپرا^۶ (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۴۷۴) معتقد است که از موانع عمده توسعه مزارع و بنگاه‌های کوچک عدم تأمین مالی مناسب و کافی است. او اعتقاد دارد که علت فقر فقیران، عدم دسترسی آن‌ها به منابع مالی لازم برای انجام کار آزاد است. کارهای غیرآزاد نیز به دلیل عدم استفاده بهینه از مهارت‌هایشان و نیز عدم پرداخت دستمزدی که بتواند نیازهایشان را پوشش دهد، آن‌ها را دچار مشکل فقر و فاصله گرفتن از طبقات بالاتر جامعه می‌کند. در بانکداری اسلامی به دلیل ظرفیت‌های بالقوه‌ای که وجود دارد، اجرای برنامه‌های تأمین مالی خرد جهت برآورده ساختن نیازهای مالی افراد کم‌درآمد امکان‌پذیر است. (الگامل، ۲۰۰۶) بانکداری اسلامی از راه تأمین مالی خرد و با به‌کارگیری عقود مشارکتی و مبادله‌ای، به تأمین منابع مالی کارآفرینان کوچک می‌پردازد و زمینه اشتغال را برای برخی افراد فراهم می‌سازد. (شاهین‌پور، ۲۰۰۹، ص ۱۰۰۳) این عقود از راه تأمین نقدینگی لازم برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینانی که به تأمین وثیقه‌های سنگین بانکداری متعارف قادر نیستند، به افزایش بهره‌وری سرمایه و نرخ پس‌انداز می‌انجامد و زمینه‌های افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال در جامعه را فراهم می‌سازد. (پایتختی اسکویی و عرب‌مازار، ۱۳۹۵، ص ۶۹) در واقع، گروه‌هایی از جامعه که به دلیل بالا بودن هزینه‌ها و عدم دسترسی به منابع مالی ارزان، توانایی تولید و سرمایه‌گذاری را ندارند، با استفاده از ابزارهای مالی اسلامی به تولید روی می‌آورند. در نتیجه، این عقود با افزایش درآمد و ایجاد اشتغال، سبب بهبود توزیع درآمد در جامعه می‌شوند.

۲. مطالعات تجربی

طاهرپور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تأثیر توزیع تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران را با تأکید بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۳ با بهره‌گیری از روش ARDL مطالعه کرده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر نقش مثبت توسعه مالی در رشد اقتصادی است. همچنین نشان می‌دهد که عقود مبادله‌ای به دلیل نرخ‌های کمتر بودن بهره نسبت به عقود مشارکتی،

6. Chapra

7. El-Gamal

طولانی‌تر بودن دوره بازپرداخت و استفاده بیشتر در فعالیتهای مولد، توزیع تسهیلات به نفع این عقود اثر مثبتی روی رشد دارد.

نعیمی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با به‌کارگیری فرم تصحیح خطای مدل ARDL، به بررسی ارتباط متقابل توسعه ابزار مالی اسلامی (صکوک) و رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند که در آن ضرایب مربوط به مدل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و تصحیح خطا برای دوره زمانی از فصل چهارم سال ۱۳۸۹ تا فصل چهارم سال ۱۳۹۴ برآورد گردیده است. نتایج حاصل حاکی از آن است که انتشار صکوک بر تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معناداری دارد و سبب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری بیزین (BVAR) و بر اساس داده‌های سری زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر تسهیلات بانکی در چارچوب عقود اسلامی جعاله، فروش اقساطی، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی و مضاربه بر ارزش افزوده بخش‌های مسکن و صنعت و معدن پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، تسهیلات بانکی در چارچوب عقود مشارکتی بر بخش‌های مسکن و صنعت و معدن تأثیر معنی‌دار آماری ندارد، ولی تسهیلات جعاله، مشارکت مدنی، فروش اقساطی و مضاربه بر تمام بخش‌های اقتصادی مورد نظر، تأثیر مثبت و معنی‌دار آماری دارند.

ایزدخواستی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران»، به تحلیل آثار تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۶۳ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، تا یک و نیم دوره باعث افزایش نابرابری و پس از آن تا دوره دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است.

مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)» بر اساس داده‌های سری زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۳، با به‌کارگیری مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مبتنی بر فرضیه کوزنتس، به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تسهیلات قرض‌الحسنه و توزیع درآمد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق با رد فرضیه کوزنتس بیانگر اثر معنادار تسهیلات قرض‌الحسنه

بر بهبود توزیع درآمد است، به طوری که یک واحد افزایش در تسهیلات قرض الحسنه منجر به ۰/۱۵۹ واحد بهبود در توزیع درآمد در جامعه می‌شود.

پناهی و نصیب پرست (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر قرض الحسنه و رویکرد اقتصادسنجی بیزی (BMA) طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سپرده‌گذاری قرض الحسنه طی دوره مزبور، رابطه منفی با ضریب جینی داشته و موجب بهبود توزیع درآمد در ایران شده است. همچنین در این تحقیق وجود رابطه U معکوس بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران تأیید می‌شود. علمی و آریانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران» با استفاده از مدل‌های پانل پویا و ایستا و گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و بر اساس داده‌های سری زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۹، به بررسی نقش و اهمیت بازارهای مالی بر توزیع درآمد در ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه مالی باعث کاهش نابرابری در استان‌های ایران شده است. همچنین در این تحقیق، رابطه U معکوس کوزنتس در استان‌های ایران تأیید شده است. کامران احمد و آمنه احسان^۸ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر تأمین مالی اسلامی بر رشد اقتصادی پاکستان بر اساس داده‌های سری زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۶ به صورت فصلی پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بلندمدت، رابطه معنی دار و مثبتی بین تأمین مالی اسلامی و رشد اقتصادی در کشور پاکستان وجود دارد و این نظریه را تقویت می‌کند که سیستم بانکی با عملکرد اسلامی باعث رشد اقتصادی می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در کوتاه مدت هیچ رابطه معنی داری بین رشد اقتصادی و بانکداری اسلامی وجود ندارد.

ملول و همکاران^۹ (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر تأمین مالی اسلامی در مقایسه با بانک‌های ربوی بر رشد اقتصادی در نه کشور برای دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۸ با استفاده از رویکرد گشتاور تعمیم یافته و داده‌های پانلی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی سبب افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود و در مقایسه با بانک‌های سنتی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورها دارد.

زیرک و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۶) در تحقیقی با به کارگیری روش اثرات ثابت و مدل Panel VAR و با

8. Kamran Ahmad & Aamina Ihsan

9. Melloul A., Chaik S. E. & Oujgha R

10. Zirek, D., Celebi, F., & Hassan, M. K

استفاده از داده‌های سری زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۹، به بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی برای ۱۴ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج، بین توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش سهم سپرده‌ها، سرمایه‌ها و وام‌های اسلامی در کل ابزارهای بانکی، منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت، شوک مثبت در ابزارهای اسلامی باعث رشد اقتصادی می‌شود. عبده و چادوری^{۱۱} (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های فصلی، ارتباط بین اعتبارات اعطایی به وسیله بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشور بنگلادش را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه بر اساس رویکرد الگوهای اقتصادسنجی نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی در بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشور دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از وجود رابطه دوطرفه بین رشد اقتصادی و توسعه بانکداری اسلامی در بنگلادش است.

آنگ^{۱۲} (۲۰۱۰) در پژوهشی با استفاده از روش خودرگرسیون برداری (VAR) و با توجه به داده‌های سری زمانی در طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۵۱، رابطه بخش مالی و نابرابری درآمدی در کشور هند را مطالعه کرده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته است.

فرقانی و مولانی^{۱۳} (۲۰۰۹) در پژوهشی با استفاده از داده‌های سری زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۷ کشور مالزی و با به‌کارگیری از تکنیک تصحیح خطای برداری (VECM)، تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد و سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج دلالت بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در بلندمدت دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مالزی در بلندمدت، از افزایش پس‌اندازها به علت اجرای بانکداری اسلامی نشئت می‌گیرد.

بررسی تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مطالعات خارجی عمدتاً به دو موضوع پرداخته‌اند: نخست، بررسی رابطه توسعه مالی اسلامی با رشد اقتصادی؛ و دوم، مقایسه بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف و تأثیر ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) بر رشد و سرمایه‌گذاری. در این مطالعات، مسئله توزیع درآمد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه

11. Abduh, M. and Chowdhury, N.T.

12. Ang, James B

13. Furqani, H. and Mulyany, R

مطالعات داخلی نیز مشاهده می‌شود که بیشتر پژوهش‌ها بر بررسی تأثیر تسهیلات بانکی در قالب عقود اسلامی بر رشد اقتصادی متمرکز بوده‌اند. اگرچه محدود مطالعاتی به اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد پرداخته‌اند، اما تأثیر سایر عقود اسلامی بر این متغیر تاکنون بررسی نشده است. نوآوری پژوهش حاضر در دو محور قابل توجه است: اولاً، علاوه بر تسهیلات قرض الحسنه، تأثیر تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک بر توزیع درآمد نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. ثانیاً، از روش پانل دیتا برای برآورد مدل استفاده شده است که در مطالعات پیشین مشابه به کار گرفته نشده بود. این دو ویژگی، هم از حیث موضوعی و هم از جنبه روش‌شناختی، به پژوهش حاضر تمایز و نوآوری بخشیده است.

۳. تصریح مدل

۳-۱. معرفی متغیرها

با توجه به مبانی نظری تحقیق، در الگوی استفاده‌شده در این مقاله، به منظور بررسی تأثیر عقود اسلامی بر نابرابری توزیع درآمد، از متغیرهای زیر استفاده می‌شود:

متغیرهای الگو شامل متغیرهای وابسته و مستقل است که متغیر وابسته شاخص نابرابری ضریب جینی و متغیرهای مستقل شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، توان دوم تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، مخارج دولتی، بهره‌وری نیروی کار و تسهیلات عقود اسلامی (قرض الحسنه و جمع تسهیلات اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی) است که هر یک به اختصار تشریح داده می‌شود.

۳-۱-۱. ضریب جینی

شاخص اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است. این شاخص عددی است بین صفر و یک و معادل با سطح محصور بین منحنی لورنز و خط توزیع کاملاً برابر. چنانچه ثروت و منابع جامعه به صورت عادلانه بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه توزیع شده باشد، منحنی لورنز به خط توزیع برابر نزدیک می‌شود و ضریب جینی به سمت صفر میل می‌کند و برعکس. اگر ثروت در یک جامعه در انحصار یک فرد از جامعه باشد، ضریب جینی برابر با یک می‌شود. (تودارو، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲)

۳-۲. تولید ناخالص داخلی سرانه

این شاخص شامل مجموع ارزش کالاها و خدماتی است که طی یک دوره معین (معمولاً یک سال)

در یک کشور تولید و به واحد پولی آن کشور اندازه‌گیری می‌شود و از نسبت آمار تولید ناخالص داخلی حساب‌های ملی بر جمعیت کشور به دست می‌آید.

۳-۱-۳. توان دوم تولید ناخالص داخلی سرانه

یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در خصوص تأثیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر توزیع درآمد، فرضیه کورزنتس است. طبق این فرضیه در مراحل نخستین رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و در مراحل تکامل نابرابری کاهش می‌یابد.

۳-۱-۴. تورم

تورم به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، درآمدهای پولی و تولید پول اشاره دارد؛ یعنی تورم یک روند فزاینده و نامنظم قیمت‌ها در اقتصاد است که به افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد. این شاخص به دلیل تضعیف کردن قدرت مالی و اقتصادی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، سبب تشدید نابرابری در توزیع درآمد می‌شود.

۳-۱-۵. مخارج دولتی

عبارت است از مجموع مبالغ معاملات در حساب‌های درآمد ملی کشور که بیانگر مخارج دولت در بخش کالاها و خدمات به منظور تأمین نیازهای فردی یا جمعی اعضای جامعه است. انتظار است که افزایش مخارج دولتی سبب ایجاد نقدینگی و به تبع آن، باعث تورم در میان افراد جامعه می‌شود و این امر منجر به افزایش نابرابری در جامعه خواهد شد.

۳-۱-۶. بهره‌وری نیروی کار

بهره‌وری نیروی کار از نسبت تولید ناخالص داخلی به کل نیروی کار شاغل در اقتصاد به دست می‌آید. این شاخص که به صورت متوسط، تولید هر نفر از نیروی کار شاغل در اقتصاد را بیان می‌کند، قابلیت تولید این عوامل را با توجه به سرمایه فیزیکی و انسانی کشورها نشان می‌دهد. از این رو، انتظار است که افزایش تولید هر فرد از نیروی کار شاغل سبب کاهش نابرابری در جامعه می‌شود.

۳-۱-۷. قرض الحسنه

عبارت از قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقداری معین از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) می‌دهد (تملیک می‌کند) و قرض گیرنده متعهد می‌شود که مثل یا قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. در این شیوه، بانک‌ها منابع مؤثر سپرده‌های قرض الحسنه

پس انداز را به صورت وام قرض الحسنه در امور خیرخواهانه، چون هزینه ازدواج، تحصیل، اشتغال و درمان بیماری به کار می‌گیرند. داده‌های متغیر قرض الحسنه بر اساس نماگرهای مالی اسلامی و کتاب گزارش‌های مالی استانی وزارت امور اقتصادی و دارایی گردآوری شده است.

۸-۱-۳. جمع‌اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی

که هر یک در ذیل به اختصار شرح داده می‌شود:

اجاره به شرط تملیک: در این عقد موجر متعهد به تملیک در پایان قرارداد می‌شود، مستأجر نیز باید به شرط عمل کند و در پایان مدت اجاره با شرایطی که مقرر شده است، عین مستأجره را تملک نماید. (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱) بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند جهت تأمین منابع مالی در امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی، معدنی و مسکن به عنوان موجر اقدام به معاملات اجاره به شرط تملیک نمایند. (نظری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳) داده‌های متغیر اجاره به شرط تملیک بر اساس نماگرهای مالی اسلامی و کتاب گزارش‌های مالی استانی وزارت امور اقتصادی و دارایی گردآوری شده است.

فروش اقساطی: عبارت است از قراردادی که به موجب آن، بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی جهت فراهم کردن تسهیلات مورد نیاز برای امور تولیدی و خدماتی، کالاها را به طور نقد تهیه می‌کنند و به صورت فروش اقساطی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. (نظری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷) داده‌های متغیر فروش اقساطی بر اساس نماگرهای مالی اسلامی و کتاب گزارش‌های مالی استانی وزارت امور اقتصادی و دارایی گردآوری شده است.

۲-۳. ارائه الگو

پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثر عقود اسلامی بر نابرابری توزیع درآمد در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به کمک داده‌های تابلویی است. در این راستا، مدل اقتصادسنجی زیر که بر اساس مبانی نظری بیان شده در قسمت‌های قبل ارائه شده است، تخمین زده خواهد شد. به منظور آزمون فرضیه پیشنهادشده از سوی گرین‌وود و جوانویچ (۱۹۹۰) که بر اساس فرضیه U معکوس کوزنتس (۱۹۵۵) مبنی بر وجود رابطه غیرخطی بین اعتبارات بانکی و نابرابری توزیع درآمد طراحی شده است، از مدل اقتصادسنجی زیر استفاده می‌شود:

$$\ln(GINI)_i = a_i + b_1 \ln(GDP_i) + b_2 \ln(GDP_i^2) + b_3 \ln(INF_i) + b_4 \ln(LABOR_i) + b_5 \ln(TAQS_i) + b_6 \ln(QARZ_i) + b_7 \ln(G)$$

که در آن:

GINI: شاخص نابرابری درآمد (ضریب جینی)؛

GDPS: تولید ناخالص داخلی سرانه؛

GDPS2: توان دوم تولید ناخالص داخلی سرانه؛

INF: نرخ تورم؛

LABOR: شاخص بهره‌وری نیروی کار؛

TAQS: مجموع تسهیلات اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی؛

QARZ: تسهیلات قرض الحسنه؛

G: مخارج دولت.

تمامی متغیرهای استفاده شده در مدل فوق به صورت لگاریتمی وارد مدل شده‌اند. داده‌های استفاده شده در این پژوهش مربوط به دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴ در ۳۱ استان کشور است. اطلاعات مربوط به داده‌های آماری در این تحقیق از نماگرهای مالی اسلامی و بانک داده‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران گردآوری شده است.

۳-۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است و در بخش مطالعات نظری، کتابخانه‌ای می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی از نرم افزار Eviews9 و با استفاده از مدل اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. آزمون ریشه واحد

آزمون ریشه واحد^{۱۴} به منظور بررسی مانایی متغیرها استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر برای بررسی مانایی متغیرها، از جزء اخلاص مدل مورد استفاده، آزمون ریشه واحد گرفته شده و بر اساس آزمون فیلیپس - پرون^{۱۵} مانایی متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این آزمون فرضیه H_0 بیانگر وجود ریشه واحد یا نامانایی و فرضیه H_1 به معنای عدم ریشه واحد است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره محاسبه شده با سطح احتمال کمتر از ۵ درصد برابر با ۱۲۹/۲۶۴ است، لذا

14.. Unit Root Test

15.. Philips- Prawn

فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد با سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و متغیرهای مدل پایا یا ایستا هستند.

۴-۲. آزمون هم‌انباشتگی

نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتگی برای استان‌های کشور نشان می‌دهد مقدار احتمال برای آماره آزمون هم‌انباشتگی کائو^{۱۶} که برابر با ۵,۲۷۴- است، کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد. بنابراین متغیرها هم‌انباشته‌اند و رابطه‌ای بلندمدت بین آن‌ها تثبیت شده است.

۴-۳. آزمون F لیمر (چاو)

جهت انتخاب از میان دو روش داده‌های ترکیبی^{۱۷} و داده‌های تلفیقی^{۱۸}، از آماره آزمون اف-لیمر^{۱۹} (چاو) استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 داده‌های تلفیقی و فرضیه مقابل H_1 ، روش داده‌های تابلویی است. نتایج حاصل از آزمون چاو نشان می‌دهد که F محاسبه شده که برابر با ۱۴,۷۱۶ است، بزرگ‌تر از F جدول بوده و بیانگر معناداری اثرات ثابت است، لذا با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت فرضیه صفر رد شده و استفاده از داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

۴-۴. آزمون هاسمن

برای تشخیص این‌که مدل دارای اثرات ثابت^{۲۰} یا تصادفی^{۲۱} است، از آزمون هاسمن^{۲۲} استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 ، روش اثرات ثابت و فرضیه مقابل H_1 روش اثرات ثابت است. در صورتی که فرضیه H_0 رد شود، روش مورد استفاده برای تخمین، روش اثرات ثابت خواهد بود. طبق نتیجه به دست آمده که مقدار آماره T برابر با ۱۵,۵۰۴ و سطح احتمال ۰,۰۳۰ است، روش اثرات ثابت برای تخمین مدل تأیید می‌شود، زیرا مقدار آماره احتمال آزمون هاسمن کمتر از ۰,۰۵ است.

16. Kao Cointegration Tests

17. Panel Data

18. Pooled Data

19. F-Lamer

20. Fixed Effect

21. Random Effect

22. Hausman Test

۴-۵. برآورد مدل و تحلیل آن

نتایج تخمین مدل بر اساس الگوی سنجی داده‌های تابلویی و به روش اثرات ثابت، برای ۳۱ استان کشور طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در جدول ۱ نشان داده شده است.

متغیر وابسته: ضریب جینی (LGINI)			
احتمال (Prop)	آماره t	ضریب	متغیرهای توضیحی
۰٫۰۰۰۰	-۷٫۷۱۸	-۷٫۱۴۰	عرض از مبدأ
۰٫۰۰۰۰	۵٫۲۹۹	۱٫۴۸۳	L(GDPS)
۰٫۰۰۰۰	-۴٫۹۷۶	-۰٫۰۸۰	L(GDPS ²)
۰٫۰۱۲۱	۲٫۵۴۹	۰٫۰۱۲	L(INF)
۰٫۰۰۰۰	-۴٫۲۱۹	-۰٫۱۴۶	L(LABOR)
۰٫۰۰۰۱	-۴٫۱۴۴	-۰٫۰۳۶	L(QARZ)
۰٫۱۱۴۶	-۱٫۵۸۹	-۰٫۰۲۸	L(TAQS)
۰٫۰۰۰۰	۸٫۷۱۲	۰٫۰۵۷۰	L(G)

جدول ۱: نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضرایب عقود اسلامی، یعنی تسهیلات قرض الحسنه و مجموع تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، منفی و از نظر آماری معنادار است و این نشان می‌دهد که در صورت گسترش ابزارهای مالی اسلامی، نابرابری درآمدی در استان‌های کشور کاهش یابد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب متغیر تسهیلات قرض الحسنه ۰٫۰۳۶- است و این یعنی در ازای یک درصد افزایش در متغیر تسهیلات قرض الحسنه، نابرابری درآمدی در استان‌های کشور به میزان ۰٫۰۳۶ درصد کاهش می‌یابد. مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) و پناهی و نصیب پرست (۱۳۹۵) نیز در نتایج مطالعه‌شان، به تأثیر مثبت تسهیلات قرض الحسنه بر بهبود توزیع درآمد دست یافته‌اند. از سوی دیگر، متغیر مجموع تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک نیز تأثیری معکوس و معنادار روی ضریب جینی دارد، به طوری که انتظار می‌رود به ازای یک درصد تغییر در این متغیر، ضریب جینی در استان‌های کشور به میزان ۰٫۰۲۸ درصد کاهش یابد. آنگ (۲۰۱۰) و علمی و آریانی (۱۳۹۲) نیز

در نتیجه تحقیقاتشان، نقش مثبت بخش مالی بر کاهش نابرابری توزیع درآمد را تأیید کرده‌اند. همچنین ملاحظه می‌شود که رابطه U معکوس کوزنتس میان تولید ناخالص داخلی سرانه و نابرابری درآمدی، برخلاف مقاله مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) و همانند مقاله‌های علمی و آریانی (۱۳۹۲)، پناهی و نصیب پرست (۱۳۹۵) و ایزدخواستی (۱۳۹۷) تأیید می‌شود؛ یعنی در ابتدا با افزایش رشد اقتصادی و افزایش درآمدها نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و در نهایت در بلندمدت نابرابری کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، با ضریب منفی شاخص بهره‌وری نیروی کار به این نتیجه دست می‌یابیم که این متغیر نیز سبب کاهش نابرابری درآمدی است. متغیر توضیحی دیگری که در مدل لحاظ شده نرخ تورم است که تأثیر مثبتی بر نابرابری درآمدی دارد، به صورتی که هرگاه تورم یک درصد افزایش یابد، نابرابری به میزان ۰/۰۲۵۴ درصد افزایش می‌یابد و استنباط می‌شود که به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات، وضعیت گروه‌های کم درآمد جامعه در پی تضعیف شدن قدرت مالی و اقتصادی‌شان بدتر می‌شود. افزایش مخارج دولتی نیز تأثیر مثبتی بر نابرابری توزیع درآمد دارد که دلیل این امر، می‌تواند ایجاد نقدینگی و افزایش تورم در جامعه باشد. افزون بر این، آماره F بیانگر معناداری کل معادله رگرسیون است که با مقدار ۳۴۲۰۷ و احتمال ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل برآوردشده صد درصد معنادار است. مقدار ضریب تعیین مدل $R^2 = ۰/۹۱$ است که نشان می‌دهد ۹۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل، توضیح داده شده است. به بیان دیگر، مدل از قدرت توضیح‌دهندگی خوبی برخوردار است. آزمون دوربین - واتسون^{۲۳} (DW) جهت تشخیص وجود یا عدم مشکل خودهمبستگی در مدل استفاده می‌شود. در صورتی که این آماره در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار بگیرد، مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. در پژوهش حاضر مقدار آزمون دوربین - واتسون به دست آمده در مدل ۲/۱۲ است، بنابراین مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه عقود مالی اسلامی و نابرابری توزیع درآمد در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر عقود

23. Durbin-Watson

مالی اسلامی، قرض الحسنه و جمع تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک بر ضریب جینی منفی و معنادار است؛ یعنی با گسترش عقود، بازارها و نهادهای مالی اسلامی نابرابری در توزیع درآمد استان‌ها کاهش می‌یابد. از این رو، فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه منفی بین عقود مالی اسلامی و توزیع درآمد در استان‌های ایران تأیید می‌شود. نتایج تحقیق بیان می‌کند که تسهیلات قرض الحسنه و جمع فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، به ترتیب با 0.036 - و 0.028 - تأثیری منفی بر نابرابری درآمدی دارند، به گونه‌ای که یک درصد افزایش در تسهیلات قرض الحسنه سبب کاهش 0.036 درصدی ضریب جینی و یک درصد افزایش در جمع تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک سبب کاهش 0.028 درصدی ضریب جینی می‌شود. همچنین رابطه U معکوس کوزنتس میان تولید ناخالص داخلی سرانه و ضریب جینی تأیید می‌شود؛ یعنی با افزایش رشد اقتصادی و افزایش درآمدها نابرابری درآمدی در ابتدا افزایش می‌یابد و در نهایت، در مرحله تکامل نابرابری کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بهره‌وری نیروی کار نیز سبب کاهش نابرابری درآمدی می‌شود و در مقابل شاخص‌های مخارج دولت و نرخ تورم، هر کدام به صورت جداگانه تأثیر مثبتی بر نابرابری توزیع درآمد دارد. در این صورت، افزایش میزان مخارج دولتی سبب ایجاد نقدینگی و در نتیجه منجر به رشد تورم در جامعه گردیده و این امر خود باعث افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شود. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به قرار ذیل برای سیاست‌گذاران اقتصادی ارائه می‌شود:

از آنجایی که مهم‌ترین هدف در اقتصاد اسلامی برپایی عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر و نابرابری درآمدی در جامعه است، دولت باید شرایط و امکاناتی را فراهم آورد که ضمن گسترش عقود اسلامی، دسترسی افراد کم‌درآمد به واسطه‌های مالی افزایش و در نهایت نابرابری کاهش یابد.

دولت در بخش تخصیص اعتبارات باید به گونه‌ای عمل کند که ضمن در نظر گرفتن عدالت اقتصادی، توجه ویژه‌ای به سرمایه‌گذاری‌های زودبازده در استان‌های کشور داشته باشد تا از این طریق نابرابری‌های موجود در میان اقشار مختلف درآمدی کاهش یابد.

با توجه به این‌که رشد اقتصادی و به دنبال آن افزایش درآمد سرانه نقشی کلیدی در گسترش بازارهای مالی و کاهش نابرابری درآمدی دارد، دولت جهت توسعه بخش مالی و کاهش نابرابری در استان‌ها، سیاست‌هایی را در پیش گیرد که سبب رشد اقتصادی بادوام و باثبات شود.

فهرست منابع

۱. ابوترابی، محمدعلی؛ زنده‌دل شهرنوی، هدی؛ رضایی‌مقدم، نسرين (۱۳۹۳). «بررسی ظرفیت‌های نوآورانه عقد‌های اسلامی و نقش آن در رشد اقتصادی». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۴(۵۶)، ۵-۳۵.
۲. احمدی، علی‌محمد؛ غفاری، حسن‌محمد؛ وفایی‌یگانه، رضا (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد». *مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی*. دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. آل‌عمران، رؤیا؛ شکوهی فرد، سیامک (۱۳۹۵). «تحلیل اثر توسعه بخش مالی بر شاخص توزیع درآمد: (ریهافت داده‌های تابلویی پویا)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، ۲(۲)، ۴۳-۷۴.
۴. ایزدخواستی، جواد (۱۳۹۷). «تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران». *دوفصلنامه علمی. پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۵(۳۰)، ۲۹-۵۰.
۵. پایتختی اسکویی، سیدعلی؛ عرب‌مازار، عباس (۱۳۹۵). «بررسی اثر عقد‌های بانکداری اسلامی بر نرخ بیکاری در ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلام*، ۱۶(۶۱)، ۶۵-۷۷.
۶. پناهی، حسین؛ نصیب‌پرست، سیما (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر قرض الحسنه: رویکرد اقتصادسنجی بیزی». *فصلنامه معرفت اقتصادی*، ۲(۱۲)، ۲۳-۴۴.
۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۸). *توسعه اقتصادی در جهان سوم* (ترجمه غلامعلی فرجادی). تهران: سازمان برنامه و بودجه (چاپ هشتم).
۸. چپرا، محمدعمر (۱۳۸۴). *اسلام و چالش‌های اقتصادی* (ترجمه سیدحسین میرمعزی و همکاران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. رجایی، سیدکاظم (۱۳۸۹). «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل». *مجله معرفت اقتصادی*، ۱(۱۲).
۱۰. سیدحسینی، سیدمحمد (۱۳۹۱). *بررسی وقف پول و آثار اقتصادی آن با تأکید بر فقر و اشتغال* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. صدر، سیدکاظم (۱۳۷۵). *اقتصاد صدر اسلام*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. طاهرپور، جواد؛ محمدی، تیمور؛ فردی کلهرودی، رضا (۱۳۹۸). «تأثیر توزیع تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران با تأکید بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای». *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۲۳)، ۱۵۱-۱۷۶.
۱۳. علمی، زهرا (میلاد)؛ آریانی، فائزه (۱۳۹۲). «اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه بازگانی*، ۶۹(۱۳۳-۱۵۸).
۱۴. قنبری، علی؛ آقایی، مجید؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۱(۱).
۱۵. موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی* (۱). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۶. مهرگان، نادر؛ خوش اخلاق، مهدی (۱۳۹۵). «اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)». **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و بانکداری اسلامی**، (۱۶)، ۹۳-۱۱۹.
۱۷. نصر اصفهانی، محمد؛ قائمی اصل، محمد؛ زارع کردیانی، علی اصغر (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر ارائه تسهیلات بانکی در چارچوب عقود اسلامی بر ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی: کاربرد الگوی خودرگرسیون برداری بیزین (BVAR)». **فصلنامه معرفت اقتصادی**، (۱۹)، ۴۷-۶۴.
۱۸. نظری، سولماز (۱۳۹۸). «جایگاه عقود معین در نظم بانکداری اسلامی و رابطه آن با کاهش فقر در جامعه». **فصلنامه مطالعات نوین بانکی**، (۲)، ۱۰۳-۱۲۷.
۱۹. نعیمی، مینا؛ سهیلی، کیومرث؛ کریمی، محمد شریف (۱۳۹۸). «ارتباط متقابل توسعه ابزار مالی اسلامی (صکوک) و رشد اقتصادی». **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، (۷۳)، ۲۱۷-۲۳۸.
۲۰. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۸). **قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. یوسفی حاجی آباد، رضا (۱۳۹۳). «بررسی اثرات توسعه بازارهای مالی بر توزیع درآمد در کشورهای اسلامی». **دوفصلنامه پژوهش‌های مالی اسلامی**، (۴)، ۷۸-۹۰.
22. Abduh, M., & Chowdhury, N. T. (2012). Islamic Banking – Economic Growth Nexus: Evidence from Bangladesh. *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 8(3), 104-113.
23. Ang, J. B. (2010). Finance and Inequality: The Case of India. *Southern Economic Journal*, 76(3), 738-761.
24. Aghion, P., & Bolton, P. (1997). A Theory of Trickle-Down Growth and Development. *The Review of Economic Studies*, 64(2), 151-172.
25. Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data* (5th ed.). New York: John Wiley & Sons.
26. Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R. (2007). Finance, Inequality and the Poor. *Journal of Economic Growth*, 12, 27-49.
27. Chapra, M. U. (2008). The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help Minimize the Severity and Frequency of Such a Crisis in the Future? Paper presented at the Forum on the Global Financial Crisis, Islamic Development Bank.
28. Clarke, G., Xu, L. C., & Zou, H. (2006). Finance and Income Inequality: What Do the Data Tell Us? *Southern Economic Journal*, 72(3), 578-596.
29. El-Gamal, M. A. (2006). *Islamic Finance: Law, Economics, and Practice*. Cambridge University Press.
30. Furqani, H., & Mulyany, R. (2009). Islamic Banking and Economic Growth: Empirical

- Evidence from Malaysia. *Journal of Economic Cooperation and Development*, 30(2), 59-74.
31. Galor, O., & Zeira, J. (1993). Income Distribution and Macroeconomics. *Review of Economic Studies*, 60, 35-52.
32. Greenwood, J., & Jovanovic, B. (1990). Financial Development, Growth, and the Distribution of Income. *Journal of Political Economy*, 98(5).
33. Kamran Ahmad, & Aamina Ihsan. (2018). Impact of Islamic Finance on Economic Growth – Empirical Evidence from Pakistan. *International Journal of Scientific and Engineering Research*, 9(7).
34. Kuznets, S. (1955). Economic Growth and Income Inequality. *American Economic Review*, 45(1), 1-28.
35. Liang, Z. (2006). Financial Development and Income Distribution: A System GMM Panel Analysis with Application to Urban China. *Journal of Economic Development*, 31(2), 1.
36. Melloul, A., Chaik, S. E., & Oujgha, R. (2017). Empirical Analysis of Islamic Banking and Economic Growth. *Economic Alternatives*, 1, 89-102.
37. Rajan, R. G., & Zingales, L. (2003). *Saving Capitalism from the Capitalists*. New York: Crown Business.
38. Shahinpoor, N. (2009). The Link between Islamic Banking and Microfinancing. *International Journal of Social Economics*, 36(10).
39. Zirek, D., Celebi, F., & Hassan, M. K. (2016). The Islamic Banking and Economic Growth Nexus: A Panel VAR Analysis for Organization of Islamic Cooperation (OIC) Countries. *Journal of Economic Cooperation & Development*, 37(1), 69.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی